

تجارت بین‌المللی تسلیحات در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی و استثنائات امنیتی آن

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۱۸	سعید حکیمی‌ها ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۷	مهدی هفتانی ^۲
صفحات مقاله: ۱۵۸ - ۱۲۵	

چکیده:

معاملات و نقل و انتقالات بین‌المللی تسلیحاتی به‌عنوان یک تجارت معظم و راهبردی، از سال ۲۰۱۳ با تصویب معاهده‌ی سازمان ملل در خصوص تجارت تسلیحات، تحت مقررات‌گذاری بین‌المللی در آمده است. از آنجا که سلاح نوعی کالا است، اصولاً احکام مربوط به تجارت بین‌المللی آن نیز باید بر اساس مقررات سازمان تجارت جهانی و بالانحص موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴ تعیین شود. از طرف دیگر، معاهده‌ی تجارت تسلیحات ضوابط و محدودیت‌هایی را به‌منظور کنترل و ردیابی تسلیحات معامله‌شده در نظر گرفته که با اصل آزادی تجارت در سازمان تجارت جهانی مغایرت دارد. بنابراین، یا ضوابط مندرج در معاهده‌ی تجارت تسلیحات بایستی به نحوی تعبیر شوند که با مقررات سازمان تجارت جهانی در تعارض نباشند و یا مقررات اخیر به نفع ضوابط مندرج در معاهده تفسیر شود. با توجه به این‌که اصل آزادی تجارت با استثنائاتی در مقررات سازمان تجارت جهانی همراه است؛ بنابراین، هرگونه محدودیت فراروی تجارت آزاد بایستی ذیل استثنائات مصرح در موافقت‌نامه‌های سازمان بگنجد. مهم‌ترین این استثنائات تحت عنوان استثنائات کلی و امنیتی به ترتیب در مواد ۲۰ و ۲۱ گات ۱۹۹۴ مطرح شده‌اند. چون موضوع و هدف معاهده‌ی تجارت تسلیحات تضمین و ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی از رهگذر کنترل تجارت تسلیحات متعارف بوده و مستقیماً به موضوع تسلیحات می‌پردازد؛ در نتیجه، ضوابط و محدودیت‌های مندرج در آن، در چارچوب ماده‌ی ۲۱ گات ۱۹۹۴ (استثنائات امنیتی) قابل توجیه و تفسیر بوده و با مقررات سازمان تجارت جهانی و همچنین تعهدات اعضای معاهده بر اساس آن، در تعارض نیست.

* * * * *

۱ - استادیار گروه حقوق دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی

واژگان کلیدی

تسلیمات، سازمان تجارت جهانی، معاهده، امنیت، تجارت.

مقدمه

تجارت بین‌المللی^۱ تسلیمات^۲ اگرچه در اسنادی قبل از معاهده‌ی تجارت تسلیمات^۳ مورد توجه قرار گرفته بود، اما به‌طور فزاینده‌تر و جامع‌تر در آوریل ۲۰۱۳ در صحن مجمع عمومی سازمان ملل به رأی گذاشته و تصویب شد.^۴ این معاهده با هدف کنترل و ردیابی کلیه‌ی نقل و انتقالات تسلیمات متعارف^۵، ضوابط و محدودیت‌هایی را در نظر گرفته تا از انحراف تسلیمات به سمت بازارهای غیرقانونی و تجارت نامشروع این دسته از تسلیمات جلوگیری نماید.^۶ برخی از این محدودیت‌ها از جمله تعهدات اساسی دولت‌ها محسوب می‌شوند که بایستی در خصوص هرگونه نقل و انتقال بین‌المللی تسلیمات اعمال شود تا امکان کنترل و ردیابی و متعاقباً طرح مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف فراهم گردد. در مقابل، برخی مکانیزم‌ها و ضوابط مندرج در معاهده مورد تشویق قرار گرفته تا دولت‌ها از طریق اتخاذ آنها،

۱- در این مقاله منظور از تجارت بین‌المللی تسلیمات، آن بخش از معاملات بین‌المللی تسلیماتی است که توسط بخش خصوصی بین کشورها انجام می‌گیرد. معاهده، صراحتاً معاملات دولتی تسلیمات را از شمول قلمرو موضوعی خود خارج ساخته است، مشروط بر آن‌که تسلیمات متعارف مزبور، برای استفاده دولت‌ها جایجا شده و در مالکیت آنها باقی بماند.

۲- احکام معاهده راجع به تجارت بین‌المللی تسلیمات شامل مهمات، قطعات و اجزای آنها نیز می‌شود، مگر آن‌که خلاف آن در معاهده تصریح شده باشد.

۳.- Arms Trade Treaty (ATT).

۴- معاهده با ۱۵۴ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف ایران، سوریه و کره‌ی شمالی و ۲۳ رأی ممتنع از جمله روسیه و چین تصویب، و در تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا گردید. ۱۳۰ دولت معاهده را امضا کردند که ۷۳ دولت آن را به تصویب داخلی رسانده و عضو معاهده شده‌اند و ۵۷ دولت دیگر در حال تصویب معاهده در نظام داخلی خود هستند.

۵ - Conventional Arms.

۶- بند دوم از مقدمه‌ی معاهده: "با تأکید بر نیاز به ممانعت و ریشه‌کن کردن تجارت نامشروع و قاچاق تسلیمات متعارف و همچنین به‌منظور پیشگیری از انحراف آنها به سمت بازارهای سیاه و غیرقانونی و یا رساندن آنها به مصارف نهایی یا مصرف‌کنندگان نهایی معین که در مأموریت‌های متضمن فعالیت‌های تروریستی شرکت می‌نمایند."

معاهده به نحو متقنی به اجرا در آید. صرف‌نظر از واقع‌گرایانه یا آرمانی بودن اجرای این مکانیزم‌ها توسط دولت‌ها، معاهده با چالش‌های دیگری از جمله حساس بودن صنایع نظامی و همچنین تفسیر آن در پرتو سایر اسناد و مقررات بین‌المللی روبروست. (Yihdego, 2013:136) قطعاً کنترل و ردیابی معاملات و تبادلات تسلیحاتی بدون در اختیار داشتن اطلاعات شفاف از زمان، مکان، نوع تسلیحات و طرفین مبادله و حجم آن ممکن نیست (ساعد، ۱۳۸۶: ۱۴) و معاهده سعی در برقراری توازن بین تعهد ارائه‌ی این نوع از اطلاعات و الزامات امنیت ملی کشورها داشته است که خود این مسأله را نیز باید به چالش‌های پیش روی اجرای معاهده افزود. (Maslen, et.al, 2013: 35) از طرف دیگر، مقررات سازمان تجارت جهانی^۱ به‌عنوان مقررات عام تجارت در عرصه‌ی بین‌المللی به‌دنبال ایجاد حداکثر آزادی در روابط تجاری بوده و هرگونه محدودیت فراروی این آزادی را بر نمی‌تابد. (VanGrasstek, 2013: 205) نوع و ماهیت محدودیت‌ها و ضوابطی که در معاهده آمده، صراحتاً در گات^۲ ممنوع شده است. البته محدودیت‌ها و ضوابط منعکس‌شده در مقررات معاهده راجع به صادرات، واردات و ترانزیت تسلیحات متعارف ذیل گات و دلالتی به‌عنوان یک خدمت تجاری تحت شمول موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات (گتس) قرار می‌گیرد.^۳ ضوابط و محدودیت‌های مندرج در معاهده را می‌توان به دو دسته ضوابط عمومی و سازوکارهای اختصاصی کنترل تجارت تسلیحات تقسیم نمود. در این مقاله، هر دوی این مکانیزم‌ها و همچنین تجارت خدمات، سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری نظامی و تسلیحاتی در پرتو مقررات سازمان تجارت جهانی را بررسی و ارزیابی و در پایان، نتیجه‌ی آن بر تعهدات دولت‌ها ذیل دو معاهده‌ی بین‌المللی (سند تأسیس سازمان تجارت جهانی و معاهده‌ی تجارت تسلیحات) ارائه خواهد شد.

۱ - World Trade Organization.

۲ - Genial Agreement on Trade and Tariff (GATT).

۳- سایر خدمات مرتبط با تجارت تسلیحات همانند انتقال فناوری‌های نظامی و تسلیحاتی و سرمایه‌گذاری خارجی نیز بر اساس مقررات موافقت‌نامه‌های مربوط (تریپس و تریمز) قابل بررسی است.

سازوکارهای عمومی

اجرای عمومی

معاهده دولت‌ها را به منظور اجرای ضوابط معین‌شده‌ی خاص به منظور کنترل و نظارت بر روند تجارت و انتقال بین‌المللی تسلیحات موظف به تمهید یک بستر عمومی کرده است. ماده‌ی پنج به تبیین چگونگی اجرای کلی معاهده در پنج بند می‌پردازد. بند نخست، به اصل کلی منع تبعیض در حقوق بین‌الملل اشاره کرده است. بر این اساس، دولت‌ها نباید تعهدات ناشی از معاهده را به شکلی تبعیض‌آمیز و خودسرانه به اجرا بگذارند. تبعیض در اجرای تعهدات بین‌المللی هم‌چنین بر خلاف حسن‌نیت^۱ نیز تلقی می‌شود؛ اصلی که در جای‌جای رویه‌ی قضایی و دکترین تفسیر تعهدات بین‌المللی تعهدی نانوشته اما اساسی تلقی شده است. (Cottier, et.al, 2014: 12) علاوه بر آن منع تبعیض یک رکن اساسی در مقررات سازمان تجارت جهانی محسوب می‌شود که اجرای آن از رهگذر دو اصل دولت کامله‌الوداد و رفتار ملی تضمین می‌شود. (Ibid: 17) از طرف دیگر، محدودیت‌هایی که در مقررات سازمان به‌طور استثنائی در برخی شرایط پذیرفته شده، نباید به‌طور تبعیض‌آمیز اجرا شود. بند دوم و سوم و چهارم این ماده به تعهد تدارک لیست تسلیحات متعارف تحت شمول معاهده بر اساس تعاریف نظام ثبت تسلیحات متعارف نزد سازمان ملل اشاره دارد.^۲ در واقع، محدودیت‌ها مندرج در معاهده تنها فراروی تجارت این نوع از تسلیحات می‌شود^۳، اما بند آخر که رکن این ماده محسوب می‌شود، از الزام دولت‌ها به اتخاذ تدابیر لازم برای کنترل و نظارت بر انتقال تسلیحات سخن به میان آورده و به‌طور خاص دولت‌ها را موظف به استقرار یک نهاد و نظام

۱ - Bona Faith.

۲- این سیستم به‌منظور شفافیت بیش‌تر اطاعات تسلیحاتی در خصوص انواع گوناگون تسلیحات بنا نهاده شده و شمول تعریف تسلیحات بر اساس تعریف تخصصی دفتر ثبت تسلیحات سازمان ملل تعیین می‌شود.

۳- انتقاداتی در این خصوص وارد شده که چرا برخی تسلیحات از جمله مین‌های ضد نفر و پهبادهای نظامی مشمول احکام معاهده نیست. نک: شفیعی، نوذر و دولت‌خواه، زهرا، "تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده‌ی تجارت تسلیحات"، راهبرد، شماره‌ی ۶۹، زمستان ۱۳۹۲.

کنترل ملی به منظور ثبت و کنترل انتقال تسلیحات متعارف کرده است. البته وجود نظام‌ها و نهادهای کنترلی فراروی تجارت و بازرگانی خارجی کشورها نه تنها از نظر مقررات سازمان تجارت جهانی مردود نیست، بلکه مقررات مشخصی نیز در این خصوص وضع شده است. البته نظام کنترلی که معاهده‌ی تجارت تسلیحات در نظر گرفته، منصرف از نظارت اطلاعی و تشریفاتی است. اصولاً بر اساس معاهده بدون یک سازوکار مؤثر و شفاف امکان کنترل و ساماندهی نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات میسر نیست و قطعاً نظارت اطلاعی چنین هدفی را محقق نخواهد کرد، بلکه برعکس کنترل و نظارت دولت‌ها بایستی از قابلیت ممنوع و یا محدود کردن انتقال نیز برخوردار باشد. (Maslen, et.al, op.cit: 21) این نوع از نظارت دولت‌ها بر تجارت بین‌المللی اصولاً از نظر گات ممنوع است، مگر در مواردی که در مقررات سازمان بدان تصریح شده باشد. هرچند ماده‌ی پنج به ممنوعیت و یا محدودیت اشاره نکرده، اما تحقق تعهدات دولت‌ها به موجب آن، نیازمند استقرار نهادی است که انتقالات بین‌المللی تسلیحاتی با مجوز آن انجام می‌شود. بنابراین، صرف‌نظر موافقت یا عدم موافقت نهایی این نهاد، هر نقل و انتقالی نیاز به اخذ مجوز خواهد داشت. (Ibid: 22) در گات موانع غیرتعرفه‌ای خط قرمزی است که (جز در موارد صراحت گات) عبور از آن منجر به نقض گات خواهد شد. اجباری بودن اخذ مجوزها صراحتاً در ماده‌ی یازده گات نهی شده و از جمله موانع غیرتعرفه‌ای ممنوع است. (VanGrasstek, op. cit: 223) صدور مجوزها اساساً شرایط عادلانه را برهم زده و موجب تبعیض بین کالاهای داخلی و خارجی خواهد شد. البته مواردی مانند کسری پرداخت و تراز منفی تجاری و هم‌چنین نیاز کشور صادرکننده به برخی کالاها در داخل کشور در شرایط بحرانی، از جمله استثنائات این ممنوعیت کلی هستند.^۱ لازم به ذکر است این استثنائات موقتی بوده و به محض رفع شرایط اضطراری بایستی لغو شوند. (VanGrasstek, op.cit: 212) بنابراین، در مواقع نیاز کشور صادرکننده‌ی سلاح در بحران‌ها و آشوب‌های داخلی یا مخاصمات بین‌المللی می‌تواند موقتاً هرگونه نقل و انتقال تسلیحاتی و یا حتی ترانزیت

۱- ماده‌ی ۱۱ گات ۱۹۹۴.

را منوط به اخذ مجوز نماید (Yihdego, op.cit.: 148)، اما چنین موردی اساساً در معاهده‌ی تجارت تسلیحات پیش‌بینی نشده و مهم‌ترین هدف ایجاد نظام کنترل ملی پیشگیری از انحراف انتقال تسلیحات و نه رفع کمبودهای داخلی است. بنابراین، حل تعارض ماده‌ی پنج معاهده و ماده‌ی یازده گات در پرتو استثنائات اصل ممنوعیت موانع غیرتعرفه‌ای^۱ که به مواردی غیر از مسائل مندرج در معاهده می‌پردازد، میسر نیست و لاجرم تعارض این دو ماده بایستی با توسل به استثنائات کلی و یا امنیتی^۲ و هم‌چنین روح مقررات مندرج در گات ۱۹۹۴ مرتفع شود. هم‌چنین بند شش ماده‌ی پنج به‌منظور تبادل اطلاعات تجارت تسلیحات نیز تدابیری را پیش‌بینی کرده است. علاوه بر آن، یکی از وظایف دبیرخانه معاهده، دریافت و بازپخش گزارش‌های تجاری دولت‌های عضو است. این تکلیف دولت‌ها با اصل شفافیت در سازمان تجارت جهانی نیز همسو است. به همین دلیل، هم در بند الف ماده‌ی بیست‌ویک گات و هم در بند سه ماده‌ی سیزده معاهده، اطلاعاتی که حفظ آنها به‌منظور تأمین منافع ضروری امنیتی^۳ لازم باشد، از شمول فرآیند گزارش‌دهی و شفافیت اطلاعاتی مستثنی شده است. (Maslen, et.al, op.cit.:36) با وجود این، بندهای دیگری از ماده‌ی پنج معاهده با اصولی از گات در تعارض هستند که در بخش‌های بعدی به آنها اشاره خواهد شد.

ممنوعیت‌های کلی

ماده‌ی شش معاهده به تعیین یک چارچوب مهم در اجرای معاهده توسط نظام‌های کنترل ملی اختصاص دارد. با توجه به موضوع و هدف معاهده به‌نظر می‌رسد تعهدات دولت‌ها بر اساس این ماده اساسی بوده و بنابراین، اعمال شرط از سوی اعضا نسبت به این ماده و هم‌چنین ماده‌ی هفت ممکن نیست، چرا که شرط مغایر هدف و موضوع معاهده نقض غرض بوده و از نظر اصول

۱ - Quantities Restrictions.

۲ - Security Exceptions.

۳ - Essential Security Interests.

حقوق معاهدات بین‌المللی نیز مردود است. (Maslen, et.al, op.cit.; 43) این ماده به ممنوعیت کلی هرگونه نقل و انتقال تسلیحات مشمول معاهده در دو حالت ذیل می‌پردازد:

- ممنوعیت اعطای مجوز صادرات تسلیحات یاد شده به کشورهایی که توسط شورای امنیت سازمان ملل تحریم نظامی شده‌اند؛^۱
- ممنوعیت اعطای مجوزهای صادرات تسلیحاتی که با تعهدات بین‌المللی کشور صادرکننده به‌ویژه تعهدات تسلیحاتی او، در تعارض باشد.

بر این اساس، در تدوین معاهده اعتقاد کلی بر آن بوده که کشورهایی که تحت تحریم شورای امنیت ذیل فصل هفتم منشور قرار گرفته‌اند، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شده و امکان دستیابی آنها به تسلیحات به تشدید این تهدید کمک خواهد کرد. (Maslen, et.al, op.cit.; 7) هرچند قطعنامه‌های شورای امنیت برای کلیه دولت‌ها الزام‌آور است؛ با این حال، معاهده به‌طور خاص نقض تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت را صراحتاً ممنوع اعلام کرده تا دولت‌ها در پوشش انتقال و یا تجارت بین‌المللی تسلیحاتی اقدام به نقض این تحریم‌ها نمایند. (Ibid: 9) بر اساس بند اول این ماده کشورهایی هم‌چون اریتره، سودان، ایران و گروه‌های مسلح غیردولتی عراق، لبنان، لیبیا، کنگو و یمن که ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد تحریم تسلیحاتی شده‌اند، از مشارکت در تجارت بین‌المللی تسلیحات محروم خواهند بود.^۲ هرچند به‌نظر می‌رسد با توجه به این که ماده‌ی هفت معاهده صراحتاً از ممنوعیت

۱- یک دولت عضو نباید مجوز هرگونه انتقال تسلیحات متعارف مندرج در بند یک ماده‌ی دو یا اجزای آنها، مندرج در ماده‌ی سه و چهار را صادر نماید، چرا که چنین اقدامی، تعهداتش در قبال اقدامات اتخاذشده از سوی شورای امنیت ملل متحد تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، در خصوص تحریم‌های خاص نظامی را نقض می‌نماید.

۲- برخی از تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت که در حال حاضر لازم‌الاجرا هستند، عبارتند از: ساحل عاج از نوامبر ۲۰۰۴ بر اساس قطعنامه‌ی (۱۵۷۲)؛ کره‌ی شمالی از اکتبر ۲۰۰۶ بر اساس قطعنامه‌ی (۱۷۱۸)؛ جمهوری کنگو (گروه‌های مسلح غیردولتی) - از جولای ۲۰۰۳ بر اساس قطعنامه‌ی (۱۴۹۳)؛ اریتره (از دسامبر ۲۰۰۹ بر اساس قطعنامه‌ی (۱۹۰۷)؛ ایران (از دسامبر ۲۰۰۶ بر اساس قطعنامه‌ی (۱۷۳۷)؛ عراق (گروه‌های مسلح غیردولتی از سال ۲۰۰۴ و از آگوست ۱۹۹۰ بر اساس قطعنامه‌ی (۶۶۱)؛ لبنان (گروه‌های مسلح غیردولتی از آگوست ۲۰۰۶ بر اساس قطعنامه‌ی (۱۷۰۱)؛ لیبیا (گروه‌های مسلح غیردولتی از ۲۰۰۹ و از نوامبر ۱۹۹۲ بر

صادرات و قطعنامه‌های شورای امنیت نیز از این عبارت استفاده کرده‌اند، واردات تسلیحات از کشورهای مزبور منعی نداشته باشد، اما از آنجا که این کشورها عمدتاً واردکننده و نه تولیدکننده‌ی عمده‌ی تسلیحات به‌شمار می‌روند، مجاز شمردن واردات تسلیحات از آنها از درجه‌ی اهمیت کم‌تری برخوردار است. (سواری و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۵۳) از طرف دیگر، در برخی قطعنامه‌ها صراحتاً بر ممنوعیت واردات از برخی از این کشورها از جمله ایران نیز تأکید شده است.^۱ هم‌چنین ماده‌ی شش به ممنوعیت ترانزیت تسلیحات مشمول معاهده به مقصد این کشورها اشاره نکرده، اما در قطعنامه‌های شورای امنیت به ممنوعیت اجازه‌ی ترانزیت به مقصد کشورهای عضو صراحتاً اشاره شده^۲ و حتی در مورد گروه‌های مسلح غیردولتی یمن، دولت‌های منطقه‌ی خاورمیانه موظف به بازرسی هر نوع محموله در حال ترانزیت به مقصد یمن شده‌اند.^۳ برخی تسلیحات متعارف که نه معاهده و نه قطعنامه‌ها بدان اشاره کرده‌اند، مشمول ممنوعیت مزبور در ماده‌ی شش معاهده و یا قطعنامه‌های شورای امنیت نیستند و در نتیجه، به‌نظر می‌رسد انتقال آنها به کشورهای مذکور بلامانع است، لیکن این برداشت از دیدگاه مکتب تفسیر لفظی^۴، قابل توجیه است، اما به توجه به این‌که هدف و غایت این قییل ممنوعیت‌ها کاهش توان تسلیحاتی کشورهای تحریم شده به‌منظور جلوگیری از تشدید تنش و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی است، لکن در عمل بعید به‌نظر می‌رسد اعضای سازمان ملل و یا معاهده‌ی تجارت تسلیحات، با توسل به خلأهای موضوعی معاهده و یا قطعنامه‌های شورای امنیت، اقدامی در جهت خلاف هدف تعهدات بین‌المللی خود انجام دهند. (Yihdego, op.cit: 63) هرچند چنین تفسیری از طرف دیگر نیز با ملاحظات امنیت ملی کشورهای تحت تحریم

اساس قطعنامه‌ی ۷۸۸؛ لیبی (از فوریه‌ی ۲۰۱۱ بر اساس قطعنامه‌ی ۱۹۷۰)؛ سومالی (از ۱۹۹۲ بر اساس قطعنامه‌ی ۷۳۳)؛ سودان (منطقه‌ی دارفور- از جولای ۲۰۰۴ بر اساس قطعنامه‌ی ۱۵۵۶)؛ القاعده، طالبان و افراد و اشخاص وابسته به آن از ژانویه‌ی ۲۰۰۲ بر اساس قطعنامه‌ی ۱۳۹۰).

۱- برای نمونه، نک: بند ۷ قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ و بند ۸ قطعنامه‌ی ۱۹۲۹.

۲- همان.

۳- نک: قطعنامه‌های ۲۲۰۱ و ۲۲۰۴.

۴ - Literal approach.

و یا کشورهای صادرکننده تسلیحات به آنها در تعارض است و به نظر می‌رسد معاهده و قطعنامه‌های شورای امنیت تاب چنین تفسیر موسعی را به دلیل عدم تصریح تسلیحاتی هم‌چون پهبادهای نظامی را ندارد. (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۱) قابل ذکر است که ممنوعیت بند الف ماده ۶ برای کشورهای عضو معاهده تا زمانی قابل استناد است که شورای امنیت قطعنامه‌ی متضمن تحریم‌های تسلیحاتی کشورهای ذکر شده را با صدور قطعنامه‌ی مؤخری نسخ یا تعلیق نکند. (Maslen, et.al, op.cit.:24) به‌طور مثال، شورای امنیت با صدور قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ در جولای ۲۰۱۵، تمامی قطعنامه‌های سابق بر آن را که دربردارنده‌ی تحریم‌های تسلیحاتی (اعم از تجارت کالا و یا خدمات و سرمایه‌گذاری نظامی) ایران بود، به‌صورت مشروط لغو نموده است، اما در مورد تحریم‌های تسلیحاتی مفاد قطعنامه‌های قبلی به‌صورت کامل لغو نشده و به شکل محدودیت در قطعنامه‌ی جدید ظهور پیدا کرده است.^۱ صرف‌نظر از نوع و میزان، ممنوعیت و محدودیت‌هایی که شورای امنیت فراروی انتقال و نه تنها تجارت تسلیحات متعارف وضع می‌کند یا محدودیت‌هایی که طبق بند دو ماده‌ی شش و بر اساس سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در این خصوص وجود دارد یا به وجود خواهد آمد، با اصل آزادی تجارت و ترانزیت و اصل منع محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای در مقررات سازمان تجارت جهانی

۱- بند ۵ ضمیمه‌ی B قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد.

۲- قلمرو "تعهدات بین‌المللی مرتبط بر اساس موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که دولت عضو آن است"، بسیار وسیع است. عبارت به‌ویژه، حاکی از آن است که این ماده، اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی بیش‌تری را نسبت به آن دسته از اسنادی که مستقیماً به موضوع انتقال یا جایجایی غیرقانونی تسلیحات متعارف اشاره دارند، مدنظر دارد. مستلاً بند دو ماده‌ی ۶، معاهدات حقوق‌بشری را که اعضای معاهده عضو آنها هستند نیز دربر می‌گیرد، به‌نظر چنین تفسیری با اصول ۵ و ۶ معاهده که در بخش مقدماتی معاهده آمده است نیز همخوانی دارد. این احتمال، صراحتاً در اعلامیه‌ی مشترک مکزیک و ۹۶ کشور دیگر بعد از تصویب معاهده در مجمع عمومی ملل متحد نیز تصریح شد. نروژ اعلام کرد درج مواد مرتبط با انتقال به‌منظور مورد توجه قرارداد نقض‌های شدید کلیه‌ی تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی بوده است که به‌طور واضحی تعهدات حقوق‌بشری را نیز دربر می‌گیرد و انتقال‌هایی را که برای استفاده در ارتکاب، نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جنایات جنگی انجام می‌شود، ممنوع می‌کند.

تعارض دارد.^۱ بند دو ماده‌ی شش ممنوعیت تعهدات یک دولت عضو مطابق سایر معاهدات مربوطه را شامل می‌شود، اما ممنوعیت‌هایی که بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، دولت‌ها موظف به رعایت آنها هستند، در نظر نمی‌گیرد. (Maslen, et.al, op.cit.; 25) برای نمونه، معاهدات حقوق بشر دوستانه و خلع سلاح به ممنوعیت انتقال برخی از تسلیحات مثلاً مین‌های ضد نفر، بمب‌های خوشه‌ای، مین‌های ضد خودرو (تا حدی که موجب جراحات زائد و صدمات غیر ضروری می‌شوند)، تسلیحات خیره‌کننده‌ی لیزری اشاره کرده‌اند. هرچند که مین‌های زمینی و تسلیحات لیزری تحت شمول معاهده نیستند. پروتکل ۲۰۰۱ سلاح‌های گرم نیز صراحتاً جابجایی تسلیحات را ممنوع نکرده است، بلکه صرفاً دولت‌های عضو را ملزم به جرم‌انگاری جابجایی غیرقانونی تسلیحات گرم، اجزا و مهمات آنها کرده است. (Ibid)

در این خصوص اشاره به ماده‌ی بیست و شش معاهده‌ی تجارت تسلیحات که به ارتباط معاهده با سایر اسناد بین‌المللی می‌پردازد نیز ضروری است. بر اساس این ماده، چنانچه تعهدات بین‌المللی حال و آینده‌ی دولت‌های عضو معاهده با مقررات این معاهده همسو باشد، اجرای این معاهده نباید به آنها لطمه بزند.^۲ بنابراین، تعهدات دولت‌های عضو معاهده بر اساس مقررات سازمان تجارت جهانی، بر تعهدات آنها مطابق معاهده‌ی تجارت تسلیحات اولویت ندارد. در نتیجه، دولت‌های عضو نمی‌توانند ضوابط و محدودیت‌های معاهده (جز بند الف ماده‌ی شش) را به استناد تعارض و قابل جمع نبودن با اصول بنیادین سازمان تجارت جهانی اجرا نکنند. از طرف دیگر، گات، استثنائاتی را در مواد ۲۰ و ۲۱ در نظر گرفته که به استناد آنها اعضا می‌توانند از تعهدات خود عدول نمایند، مشروط به آن‌که اثبات نمایند ضوابط مندرج در

۱- بند دو ماده شش: "چنین اقدامی، تعهدات بین‌المللی مرتبطش بر اساس موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به‌ویژه آنهایی را که به انتقال یا قاچاق تسلیحات متعارف مربوط می‌شود (و دولت صادرکننده، عضو آنهاست)، نقض نماید."
 ۲- به نظر می‌رسد در این باره باید بین معاهدات و تعهدات بین‌المللی یک دولت عضو معاهده‌ی تجارت تسلیحات قبل و بعد از لازم‌الاجرا شدن معاهده نسبت به آن دولت تفکیک قائل شد. به این معنا که پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده‌ی تجارت تسلیحات نسبت به یک دولت، وی نباید تعهدات را مغایر با معاهده بپذیرد، اما در خصوص تعهداتی که دولت‌های عضو قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده پذیرفته‌اند و با احکام این معاهده در تعارض است، مسئولیت بین‌المللی دولت متنفی است.

این دو ماده رعایت شده است. ماده‌ی بیست به استثنائات کلی اختصاص دارد و بر موانع و یا محدودیت‌هایی که بر کلیه‌ی کالاهای مشمول گات قابل اعمال است، مشروط به آن‌که اتخاذ چنین اقداماتی در جهت موارد مندرج در این ماده ضروری بوده و بدون تبعیض اجرا گردد. (VanGrasstek, op.cit, :38) مواردی همانند حفظ نظم و اخلاق عمومی، حمایت از حیات گیاهی، جانوری و انسانی و منابع تجدیدناپذیر، میراث فرهنگی و تاریخی از جمله این موارد هستند. در نگاه اول شاید محدودیت‌های مندرج در معاهده‌ی تجارت تسلیحات ذیل بند ب ماده‌ی بیست که به حمایت از حیات انسانی اشاره دارد، قابل توجیه باشد، اما اثبات ضروری بودن این اقدامات به منظور حفظ حیات انسانی برای دولتی که صادرات یا واردات تسلیحات را به این منظور محدود می‌کند، کار دشواری است. وانگهی چون ماده‌ی بیست و یک گات اختصاصاً به استثنائات امنیتی پرداخته است؛ بنابراین، به نظر نمی‌رسد استناد به استثنائات کلی ذیل ماده‌ی بیست، تاب چنین تفسیر موسعی را داشته باشد. از آنجا که مسائل مربوط به امنیت ملی کشورها همواره یک مقوله‌ی راهبردی و حساس بوده، گات نیز متأثر از همین اهمیت، ماده‌ای مستقل را به استثنائات امنیتی اختصاص داده است. (De Chazournes, et.al, 2009: 703) بر اساس بند ج ماده‌ی بیست و یک هیچ‌یک از مفاد تعهدات دولت‌ها طبق گات، نباید مانع اجرای تعهدات اعضا که به موجب منشور ملل متحد پذیرفته یا در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری باشد، گردد.

از آنجا که معاهده در صحن مجمع عمومی و بر اساس قطعنامه‌های مجمع و شورای امنیت در خصوص ساماندهی نقل و انتقالات بین‌المللی تسلیحات و با هدف تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی به تصویب رسیده است، در نتیجه جز مصادیق بارز بند ج ماده‌ی بیست و یک بوده و اجرای محدودیت‌های مندرج در آن در خصوص تجارت بین‌المللی تسلیحات برخلاف تعهدات اعضا طبق مقررات سازمان تجارت جهانی نخواهد بود. علاوه بر آن، بند یک ماده‌ی شش به تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت اشاره کرده است که صراحتاً با تعهدات بین‌المللی اعضای سازمان ملل متحد در ارتباط است. از آن گذشته، در اصول حقوق بین‌الملل نیز تعهدات ناشی از منشور ملل متحد از جایگاه بالاتری نسبت به تعهدات تجاری بین‌المللی دولت‌های عضو و حتی غیرعضو، منشور دارد. (Ibid: 712) بنابراین، هم

ماده‌ی پنج و هم بند یک ماده‌ی شش معاهده، با بند ج ماده‌ی بیست و یک گات ۱۹۹۴ قابل جمع بوده و تعارضی ندارند؛ چرا که بدون استقرار نهاد کنترل ملی، امکان رصد و ارزیابی درخواست صدور تسلیحات و انطباق آن با تعهدات بین‌المللی دولت محل صدور وجود نخواهد داشت، اما در خصوص بند دو و سه ماده‌ی شش و معاهداتی که برخی ممنوعیت‌های خاص انتقال تسلیحات را دربردارد، به نظر حکم ماده‌ی بیست و شش معاهده مجری نیست و باید به معاهدات ذیربط یا در صورت سکوت به اصول حقوق معاهدات و کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص تعارض معاهدات مراجعه کرد، مگر آن‌که معاهدات مزبور نیز در چارچوب سازوکار منشور ملل متحد و یا بر مبنای قطعنامه‌های شورای امنیت بنا شده باشند. (Maslen, etal, op.cit: 23) به نظر می‌رسد معاهدات دوجانبه‌ی همکاری‌های دفاعی و نظامی که در آنها امنیت ملی طرفین عنصر اساسی است و نه امنیت بین‌المللی، از شمول بند دو ماده‌ی شش معاهده خارج است. (Ibid: 24) از این رو، ظاهراً دولت‌های عضو سازمان نمی‌توانند به استناد این که این دست از معاهدات دوجانبه‌ی تسلیحاتی متضمن محدودیت و یا ممنوعیت صادرات و واردات به برخی از کشورهاست، تعهداتشان ذیل گات و مقررات سازمان را نادیده بگیرند، اما ماده‌ی بیست و یک گات ۱۹۹۴، چنین ممنوعیتی را مجاز شمرده است، مشروط به آن‌که به منظور حمایت از منافع اساسی امنیتی ضروری باشد. (De Chazournes, etal, op.cit: 703) علاوه بر آن چون بند سه ماده‌ی شش معاهده به ممنوعیت اعطای مجوز صادرات به تسلیحاتی که به منظور ارتکاب جرائم جنگی و یا جرائم علیه بشریت استفاده خواهد شد، اشاره کرده و مستقیماً به موضوع صلح و امنیت بین‌المللی ارتباط دارد، دولت محدودکننده با اثبات آن، مجاز به محدود یا ممنوع کردن صادرات تسلیحات و یا واردات و ترانزیت آن است بی آن‌که متهم به نقض تعهدات خود طبق گات ۱۹۹۴ و سایر مقررات سازمان شود. (Cassimatis, 2007: 169)

سازوکارهای اختصاصی

مکانیزم‌های اختصاصی که معاهده‌ی آنها را در راستای جلوگیری از وقوع انحراف پیش‌بینی کرده است، عبارتند از ارزیابی صادرات، مقررات‌گذاری در حوزه‌ی واردات، ترانزیت و دلالتی تسلیحات و هم‌چنین قواعدی به منظور مبارزه با انحراف در روند تجارت تسلیحات.

صادرات

علاوه بر ماده‌ی شش که سه مورد از ممنوعیت‌ها را فراروی انتقال و تجارت تسلیحات وضع کرده، ماده هفت نیز دولت‌ها را مکلف به ارزیابی درخواست‌های صدور تسلیحاتی نموده تا چنان به موجب بندهای ماده‌ی شش ممنوع نباشد، انتقال با لایه‌ای دیگر از محدودیت مواجه باشد.^۱ در واقع، به عقیده‌ی مفسران، ماده‌ی هفت کاستی‌های احتمالی ماده‌ی شش را مرتفع کرده و اختیار نسبتاً تامی را به دولت‌های عضو صادرکننده اعطا کرده است تا اگر ارزیابی به این نتیجه منجر شود که تسلیحات در رأس همه برای تخریب صلح و امنیت بین‌المللی، نقض شدید حقوق بشر و بشردوستانه، ارتکاب اعمال تروریستی و هم‌چنین جرائم سازمان‌یافته‌ی ملی استفاده خواهد شد، یا به‌طور بالقوه امکان آن وجود دارد، اجازه‌ی صادرات را ندهند؛ جز موارد به‌خصوصی که در ماده‌ی هفت به آن تصریح شده است، به‌نظر می‌رسد سایر تبعات احتمالی منفی ناشی از صدور تسلیحات تحت عبارت تخریب صلح و امنیت بین‌المللی قابل بررسی است. این بند از ماده‌ی هفت نیز همخوانی نزدیکی با بند ج ماده‌ی بیست‌ویک گات ۱۹۹۴ دارد. این معاهده، اختیار وسیعی به دولت‌های صادرکننده اعطا کرده است که البته این اختیارات بایستی به شکلی غیر تبعیض‌آمیز و با حسن نیت اعمال شود. (Maslen, et.al, op.cit.:

۱- ماده‌ی هفت: "چنانچه صادرات مطابق ماده‌ی قبل ممنوع نباشد، هر دولت عضو صادرکننده، قبل از صدور مجوز صادرات تسلیحات متعارف مندرج در بند یک ماده‌ی دو یا اجزای آنها، مندرج در ماده‌ی سه و چهار باید تحت صلاحیت خود و مطابق فرآیند کنترل ملی خود، به‌طور بی‌طرفانه و غیر تبعیض‌آمیز، و با در نظر گرفتن موارد مرتبط از جمله اطلاعاتی که توسط دولت واردکننده مطابق ماده‌ی هشت تهیه شده است، ظرفیت بالقوه‌ی تسلیحات متعارف یا اجزای آنها را ارزیابی نماید که:

الف) صلح و امنیت را تخریب می‌کند،

ب) می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد برای:

ارتکاب یا تسهیل نقض شدید حقوق بین‌الملل بشر دوستانه؛

ارتکاب یا نقض شدید حقوق بشر در سطح بین‌الملل؛

ارتکاب یا تسهیل اقدامی که جرمی را مطابق کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط با تروریسم (که

دولت متعاقد صادرکننده، عضو آن است)، بنا نهد؛

ارتکاب یا تسهیل اقدامی که جرمی را مطابق کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط با جرائم

سازمان‌یافته‌ی فراملی (که دولت متعاقد صادرکننده، عضو آن است) بنا نهد."

27) هر دولت عضو متعهد است تا تصمیم بگیرد که در چه مواقعی صادرات تسلیحات متعارف ممکن است صلح و امنیت را تهدید کند یا آن را تقویت نماید.

به نظر می‌رسد این ماده‌ی یک راه‌گریز بالقوه‌ی مهمی را به وجود آورده است، چرا که انتقالی که از یک سو مطابق ماده غیرقانونی است؛ با این حال، ممکن است توسط دولت تأیید شده و قانونی دانسته شود، اگر دولت عضو ادعا کند که اثر چنین انتقالی می‌تواند بر صلح و امنیت مثبت باشد؛ چه تصمیم او بی‌طرفانه و معقول باشد یا نباشد. (Ibid) مشکل بالقوه این ماده در حال حاضر به تهدیدی برای صلح و امنیت ملی منحصر نمی‌شود، بلکه ممکن است بعداً به عاملی که یک دولت عضو آن را بر خلاف صلح و امنیت خود می‌داند نیز توسعه یابد. (Ibid: 29) این در حالی است که کشورهای عضو معاهده که عضو سازمان تجارت جهانی نیز هستند، مکلف به اجرای تعهدات‌شان بر اساس دو اصل مهم عدم تبعیض و حسن نیت هستند. هرچند برخلاف ماده‌ی بیست، ماده‌ی بیست و یک گات ۱۹۹۴ تنها به ضرورت اتخاذ اقدامات محدودکننده‌ی تجارت بین‌المللی برای حفظ امنیت ملی کشورها اشاره کرده، نه اجرای غیر تبعیض‌آمیز آنها. علی‌رغم این، اصول کلی سازمان بر تمامی قواعد و مقررات آن سایه افکنده و رعایت آنها در همه حال الزامی است، مگر آن‌که به نحو دیگری تصریح شده باشد. (VanGrasstek, op.cit.: 43) پس اختیاری که معاهده در ارزیابی صادرات به دولت‌ها اعطا کرده است، به نظر نامحدود نیست و اقدامات دولت‌ها در پرتو اصول حقوق تجارت بین‌الملل سنجیده خواهد شد، چرا که معاهده به دنبال ساماندهی و کنترل تجارت بین‌المللی تسلیحات است و نه ریشه کردن آن. با این حال، برخی مفسران فاکتورهایی که با در نظر گرفتن آنها می‌توان یک ارزیابی بی‌طرفانه و بدون تبعیض را انجام داد، معرفی کرده‌اند: نوع و کمیت، استفاده‌ها و کاربردهای معقول تسلیحاتی که قرار است صادر بشوند، موقعیت کلی کشور مقصد و مناطق اطراف آن، مصرف‌کنندگان نهایی و بازیگرانی که در فرآیند صادرات درگیر خواهند شد و مسیری که صادرات قرار است از آنجا انجام بشود. (Maslen, et.al, op.cit.: 25)

علاوه بر اینها، مواردی نیز در خود معاهده در نظر گرفته شده است تا ارزیابی در مسیری صحیح و بدون تبعیض انجام شده و به نتیجه منطقی ختم شود. اشاره به پاراگراف یک ماده‌ی هشت، سازمان‌ها و نهادهای کنترل ملی را موظف می‌کند تا اطلاعاتی که توسط کشور واردکننده ارائه می‌شود، مدنظر قرار بگیرد و با این ترفند و مشارکت دادن کشور واردکننده در پروسه‌ی ارزیابی، منجر به ارتقای یک تصمیم بی‌طرفانه و غیرتبعیض‌آمیز خواهد شد. پروسه‌ی ارزیابی بایستی مشتمل بر این باشد که در چه مواقعی تسلیحاتی که قرار است صادر بشوند، قابلیت آن را دارند تا برای تسهیل نقض شدید حقوق بشر دوستانه و یا حقوق بشر بین‌المللی، یا ارتکاب تروریسم و جرائم سازمان‌یافته یا بر اساس پاراگراف چهار، خشونت‌های جنسیتی و خشونت‌های شدید علیه کودکان استفاده شوند. ساختار این ماده شاید کمی عجیب باشد، از این لحاظ که هر سلاخی می‌تواند برای نقض حقوق بین‌الملل مورد استفاده قرار بگیرد. بهتر آن بود تا دولت‌ها موظف به ارزیابی آن دسته از سلاح‌هایی باشند که احتمال استفاده از آنها برای مقاصد ذکر شده، بسیار زیاد است. چنین بیانی با پاراگراف سه نیز ارتباط منطقی بیش‌تری خواهد داشت. مضاف بر آن یک هم‌پوشانی مشهودی بین بند سه ماده شش و بند دو ماده‌ی هفت وجود دارد؛ چرا که هر صادراتی که مطابق بند سه ماده‌ی شش ممنوع شده است، می‌تواند نقض شدید حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر بین‌المللی محسوب شود.

(Ibid: 26)

تطبیق عملکرد دولت‌های عضو معاهده با تعهدات‌شان در چارچوب سازمان تجارت جهانی از طریق مکانیزم حل و فصل اختلافات^۱ تضمین می‌شود (VanGrasstek, op.cit: 47)، اما در خصوص اختلافاتی است که ممکن است حول نحوه و نتیجه‌ی ارزیابی کشور صادرکننده و یا واردکننده بروز نماید و یکی از طرفین، مجوز را خلاف ضوابط مندرج در ماده‌ی شش یا هفت بداند، خود معاهده حکم خاصی را وضع نکرده و تنها به شکل کلی، همانند سایر معاهدات بین‌المللی دولت‌ها را به توسل به روش‌های مرسوم حل اختلاف از جمله مذاکره، داوری و رویه‌ی

۱ - Dispute Settlement Body (DSB).

قضایی تشویق کرده است.^۱ از آنجا که اغلب کشورهای عضو معاهده، از اعضای سازمان تجارت جهانی هستند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد آزادی تجارت تسلیحات و هم‌چنین رعایت اصول حسن‌نیت و عدم تبعیض در عمل به تعهدات مندرج در معاهده نیز قابلیت آن را دارد تا از طریق مکانیزم سازمان تجارت جهانی برای حل و فصل اختلافات تضمین شود. برخلاف نام معاهده، احکام آن نه تنها بر تجارت تسلیحات که بر هرگونه نقل و انتقال تسلیحات که تجارت قلمداد می‌شود نیز اعمال می‌گردد و به نظر می‌رسد واژگان متداول در حقوق تجارت بین‌الملل (از جمله تجارت و صادرات) در معنای موسع‌تری در معاهده به کار رفته شده است (Maslen, et.al, op.cit: 7)، اما چون مقررات سازمان تنها به تجارت بین‌المللی اختصاص دارد؛ بنابراین، انتقالی همانند هدایا مشمول مقررات سازمان و به تبع مکانیزم حل و فصل اختلافات نخواهد شد. (VanGrasstek, op.cit: 52) البته این‌که دولتی تمامی نقل و انتقالات سلاح از کشور خود را به‌عنوان هدایا لیست نماید، برخلاف منطق و هم‌چنین حسن‌نیت است. آزادی تجارت تسلیحات هم‌چنین با بندهای دیگری از ماده‌ی بیست و یک گات نیز در ارتباط است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، موانع و یا محدودیت‌های مندرج در معاهده جملگی غیرتعرفه‌ای بوده و در پرتو مقررات سازمان تجارت جهانی ممنوع تلقی می‌شوند.^۲ با این حال، چون در استثنائات قید شده در ماده‌ی یازده اشاره‌ای به زمینه‌های نظامی و تسلیحاتی نشده است؛ بنابراین، ماده‌ی بیست و یک که به استثنائات امنیتی می‌پردازد، در توجیه این دوگانگی قابل استناد خواهد بود. بند ب ماده‌ی بیست و یک گات، صراحتاً محدودیت یا ممنوعیت و به‌طور کلی هر اقدامی را که به‌منظور حمایت از منافع اساسی امنیتی هر یک از دولت‌های عضو ضروری باشد، در سه مورد مجاز شمرده که پاراگراف دوم به نقل و انتقال تسلیحات اشاره دارد.^۳ بدین ترتیب،

۱- ماده‌ی ۱۹ معاهده‌ی تجارت تسلیحات.

۲- البته لازم به ذکر است نمی‌توان آن تعارض را نقطه‌ضعف معاهده دانست؛ چرا که نظارت و کنترل تجارت حساس و خطرناک تسلیحات بدون اتخاذ تدابیری که متضمن محدودیت و یا حتی ممنوعیت تجارت و نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات است، میسر نیست.

۳- ماده‌ی ۲۱ گات ۱۹۹۴: هیچ چیز در موافقت‌نامه‌ی حاضر به‌گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که:

الف) یک عضو را ملزم به ارائه‌ی اطلاعاتی نماید که به اعتقادش افشای آنها با منافع اساسی امنیتی آن عضو مغایرت دارد؛

دولت عضو سازمان تجارت جهانی در مقام صادر یا واردکننده تسلیحات، مجاز است اقدامات ممنوع یا محدودکننده فراروی تجارت بین‌المللی تسلیحات را اتخاذ نماید، مشروط به آن‌که اثبات نماید چنین اقدامی برای حفظ منافع اساسی امنیتی خود ضرورت داشته است. (Cassimatis, op.cit: 176) در حالی که معاهده تعهد دولت‌ها مبنی بر محدود کردن تجارت بین‌المللی تسلیحات را منوط به چنین شرطی نکرده است و دولت‌ها حتی اگر اتخاذ چنین اقداماتی تأثیری بر منافع امنیتی آنها نگذارد، بایستی اقدامات اشاره‌شده را به موقع اجرا گذارند. (Maslen, et.al, op.cit: 12) هرچند این پاراگراف از ماده‌ی ۲۱ با قید ضروری بودن سعی در محدود کردن چنین اختیاری برای دولت‌های عضو سازمان داشته است؛ با این حال، چون تجارت تسلیحات ارتباط تنگاتنگی به منافع امنیتی هر کشور دارد، به نظر نمی‌رسد دولت خواننده در هیأت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی کار سختی برای اثبات ضروری بودن اتخاذ اقدامات محدود یا ممنوع‌کننده فراروی تجارت تسلیحات در جهت حفظ امنیت خود داشته باشد. (Cassimatis, op.cit: 176) گذشته از آن، کارشناسان امنیتی و نظامی معتقدند جریان تجارت تسلیحات تمامی کشورهای مبدأ، محل عبور و مقصد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. (سواری و دیگران، پیشین: ۲۵۹) بنابراین، حتی دولت‌هایی که از توان بالای نظامی برخوردارند، ممکن است قربانی تجارت نامشروع تسلیحات قرار گیرند، هرچند که در زمان نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات چنین تصور شود که اتخاذ اقدامات نظارتی و کنترلی تنها در جهت حفظ منافع ضروری امنیتی دولت‌های درگیر فرآیند انتقال باشد. از این منظر، مشارکت دولت‌ها در نظارت و کنترل بر فرآیند نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات به‌طور مستقیم بر امنیت و تمامیت ارضی آنها تأثیر خواهد داشت. (مصفا و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۷۵) علاوه بر آن، آمارها و تجربیات کشورهای

-
- (ب) مانع یک عضو از اتخاذ اقدامی می‌گردد که به اعتقادش برای حفظ منافع اساسی آن عضو ضرورت دارد؛
- (۱) به مواد قابل شکافت هسته‌ای و یا موادی که مواد مزبور از آن به‌دست می‌آید،
 - (۲) به تجارت اسلحه، مهمات و سازوبرگ جنگی و چنین تجارتی در مورد سایر کالاها و موادی مربوط می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برای تدارک پایگاه‌های نظامی به‌کار می‌روند،
 - (۳) به هنگام جنگ یا دیگر وضعیت‌های اضطراری در روابط بین‌المللی اتخاذ می‌شود.
- (ج) مانع یک عضو از اتخاذ هرگونه اقدامی به موجب تعهداتش طبق منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی گردد.

قربانی تجارت نامشروع تسلیحات و همسایگان آنها در دهه‌های اخیر به روشنی اثبات کرده که عدم نظارت بر آنچه در این روند می‌گذرد، نه تنها امنیت کشورهای درگیر که صلح و امنیت در مقیاس بین‌المللی را نیز تهدید خواهد کرد. (همان) با وجود این، حتی اگر دولت محدودکننده‌ی واردات یا صادرات تسلیحات نتواند ضروری بودن اقدامات مزبور را در جهت حفظ امنیت خود اثبات نماید، پاراگراف سوم بند ب ماده‌ی ۲۱ که پیش‌تر بدان اشاره شد، محتملی است که چنین اقداماتی بر اساس آن مجاز شمرده شده است؛ چرا که با صلح و امنیت بین‌المللی در ارتباط تنگاتنگ بوده و زمینه‌ی تاریخی معاهده نیز مؤید آن است. (Cassimatis, op.cit.; 183)

واردات

معاهده برای واردات ضوابط مفصلی همانند آنچه به‌منظور نظارت و کنترل بر روند صادرات تسلیحات بین‌المللی در نظر گرفته، وضع نکرده است. ماده‌ی هشت معاهده که به واردات تسلیحات اختصاص دارد، بیش‌تر معطوف به همکاری اطلاعاتی دولت واردکننده با دولت صادرکننده به‌منظور انجام دقیق‌تر ارزیابی از سوی دولت صادرکننده است. این در حالی است که دولت صادرکننده مکلف نیست اطلاعات لازم را به دولت واردکننده برای ارزیابی در اختیاری وی قرارداد دهد.^۱ (Maslen, et.al, op.cit.; 32) با وجود این، دولت‌های واردکننده و یا به اصطلاح مقصد نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات، موظف به تنظیم و یا مقررات‌گذاری تجارت و یا انتقال بین‌المللی تسلیحات شده‌اند، اما نحوه و میزان آن در معاهده مبهم باقی گذاشته شده است. (Ibid) هم‌چنین ذکر این نکته لازم است که این بند تنها به تسلیحات متعارف در بند یک ماده‌ی دو را دربر می‌گیرد و بر قطعات و مهمات این تسلیحات که در مواد سه و چهار بدان‌ها

۱- اطلاعاتی که ممکن است بین دولت صادرکننده و دولت واردکننده به اشتراک گذاشته شود، عبارتند از: اطلاعات کلی درخصوص کشور واردکننده و مناطق اطراف آن، اطلاعات عملی مانند اطلاعاتی درخصوص مصرف‌نهایی یا مصرف‌کنندگان نهایی و مدارک مربوط به آنها. اگرچه عبارت پایانی این بند صرفاً پیشنهاد کرده که گواهی مصرف یا مصرف‌کنندگان نهایی می‌تواند ارائه شود، ذکر دقیق این اسناد می‌توانست یک قدم در راستای استفاده و مقبولیت جهانی آنها باشد. در عمل، برخی مواقع دولت‌های واردکننده زیر بار ارائه‌ی اطلاعات دقیقی درخصوص مصرف یا مصرف‌کنندگان نهایی نمی‌روند.

اشاره شده است، اعمال نمی‌گردد.^۱ این محدودیت به‌طور ویژه‌ای جای انتقاد دارد، چرا که این بند به دولت‌های عضو واردکننده آزادی عمل قابل‌توجهی را در خصوص مقررات‌گذاری واردات اعطا کرده است. از آنجا که واردات نقطه‌ی قرینه صادرات است؛ بنابراین، اقدامات نظارتی و کنترلی در کشور واردکننده نیز بایستی اتخاذ شود تا امکان پیشگیری از انحراف تسلیحات به سمت بازارهای غیرقانونی فراهم گردد، در غیر این صورت، ارزیابی صادرات در مبدأ، عقیم خواهد ماند. (Rogers, 2013: 134) هرچند ماده‌ی پنجم هر دو کشور صادر و واردکننده را مکلف به استقرار نظام کنترل ملی نموده است، اما جزئیات بیش‌تری در خصوص کنترل و ارزیابی صادرات در معاهده بیان شده که در زمینه‌ی واردات مغفول مانده است. این‌که اقدامات دولت واردکننده تا چه حد باید واردات تسلیحات را ممنوع و یا محدود نماید، مشخص نیست. به‌طور نمونه، یک دولت واردکننده می‌تواند واردت را کنترل نکند، مشروط بر این‌که قوانین ملی‌اش تضمین نماید که نهادهای ملی کنترل، حداقل توانایی جلوگیری از انحراف تسلیحات را داشته و از این‌که در چه مواردی چه اقداماتی را بایستی نسبت به تسلیحات به‌کار گیرند، آگاهی دارند. (Maslen, et.al, op.cit: 33) از همین‌رو، صرف مقررات‌گذاری و یا تنظیم حوزه‌ای از تجارت بین‌المللی کالا تحت گات و یا سایر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی ممنوع نیست. برای نمونه، استانداردهای فنی و بهداشتی و بازرسی کالاهای وارداتی از جمله مواردی هستند که نظارت و کنترل (یا مقررات‌گذاری) آنها از سوی دولت‌های عضو، مشروط به رعایت اصول بنیادین عدم تبعیض و حسن‌نیت با مانعی روبرو نیست. (VanGrasstek, op.cit: 52) بنابراین، جنس اقدامات دولت واردکننده که برای ارزیابی صدور مجوز واردات انجام می‌دهد، مورد توجه خواهد بود و مورد به مورد بایستی ارزیابی شود. لیکن صرف‌نظر از نحوه و میزان این اقدامات نباید به شکلی خودسرانه و تبعیض‌آمیز اتخاذ شود. (Cottier, et.al, op.cit: 22) این مسئله هم در اصول

۱- بند دو ماده‌ی ۸ معاهده: "هر دولت واردکننده باید اقداماتی را اتخاذ کند که به وی اجازه می‌دهد هر کجا که لازم باشد، تحت صلاحیت خود واردات تسلیحات متعارف مندرج در بند یک ماده‌ی دو را تنظیم (مقررات‌گذاری) نماید."

معاهده و هم مقررات سازمان تجارت جهانی مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین، اگر به‌طور نمونه اقدامات دولت واردکننده از جنس اقدامات تعرفه‌ای باشد، مشروط به آن‌که سایر مقررات سازمان در این خصوص رعایت شود، با ممنوعیتی روبرو نیست. (Van den Bossche, 2005: 234) اگر این اقدامات همانند اقدامات در نظر گرفته شده برای دولت صادرکننده از نوع محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای (نظیر لزوم اخذ مجوز باشد)، همان‌طور که پیش‌تر تشریح شد، به استناد ماده‌ی بیست‌ویک گات که به استثنائات امنیتی پرداخته، مجاز بوده و بر خلاف تعهدات دولت عضو سازمان تجارت جهانی که عضو معاهد نیز هست، تلقی نخواهد شد. (Ibid: 445) بدیهی است هر اقداماتی به شکل تبعیض‌آمیز و یا خودسرانه اتخاذ شود، مردود خواهد بود. بنابراین، ممنوعیت‌ها و یا محدودیت‌ها در شرایط یکسان می‌باید به شکل برابری مورد مقررات‌گذاری قرار بگیرند. در خصوص واردات، یکی از بندهای ماده‌ی بیست‌ویک گات به اقدامات ضروری در شرایط وقوع جنگ در روابط بین‌المللی کشور واردکننده اشاره کرده است. بر این اساس، چنانچه واردات تسلیحات بر وخامت اوضاع در کشور واردکننده تسلیحات که یکی از طرف‌های درگیر در مخاصمه‌ی بین‌المللی نیز است، منجر شود یا احتمال آن باشد، دولت مزبور به استناد پاراگراف سوم بند ب ماده‌ی بیست‌ویک گات، مجاز خواهد بود از واردات تسلیحات جلوگیری نماید. (Erickson, 2015: 72)

ترانزیت

ترانزیت همواره به‌عنوان یکی از ارکان مهم تجارت و نقل و انتقال بین‌المللی مطرح بوده است؛ فرآیندی که طرفین معاملات بین‌المللی را به یکدیگر متصل نموده و امکان مبادلات بین‌المللی را فراهم می‌کند. (کارتر، ۱۳۸۸: ۷۸) انتقال یا تجارت بین‌المللی تسلیحات نیز از این امر مستثنی نبوده و از اهمیت شایانی برخوردار است. شاید عدم کنترل بر این مرحله از تجارت بین‌المللی تسلیحات، مهم‌ترین زمینه‌ی انحراف آنها به سوی بازارهای غیرقانونی را فراهم می‌آورد. (همان) کنترل ترانزیت و نظارت بر آن، نیازمند کسب اطلاعاتی در خصوص مبدأ، مقصد، نوع، میزان، ارزش و مالکیت محموله‌های در حال ترانزیت دارد. (Anthony, 1991: 56)

به‌طور حتم، این اطلاعات در ارزیابی دولتی که محموله‌های در حال ترانزیت از سرزمین تحت صلاحیتش عبور می‌نماید، تأثیر شایان داشته و مقوم تصمیم وی مبنی بر اجازه یا ممانعت عبور است. (Ibid: 76) معاهده‌ی تجارت تسلیحات در ماده‌ی ۹ به مسأله‌ی ترانزیت تسلیحات اشاره کرده است: نکته‌ی نخست در خصوص این ماده آن است که تنها تسلیحات متعارف مشمول معاهده و نه مهمات و اجزای آنها ذیل ماده‌ی نه قرار می‌گیرند. همانند ماده‌ی هشت که معاهده اختیار نسبتاً وسیعی به دولت واردکننده به‌منظور ارزیابی واردات اعطا کرده بود، دولت‌های محل عبور محموله‌های تسلیحاتی نیز از چنین اختیاری بهره‌مندند و تنها هرجا که لازم بدانند یا امکان‌پذیر باشد، باید ترانزیت تسلیحات متعارف را مقررات‌گذاری نمایند. البته ماده‌ی نه، اصلی را منعکس می‌کند که بر اساس آن دولت‌های صادرکننده نسبت به ارزیابی انتقال تسلیحات مسئولیت ابتدایی خواهند داشت. با وجود این، این را هم اذعان می‌کند که دولت‌های محل عبور تسلیحات نیز مسئولیت حقوقی بین‌المللی خواهند داشت. (Maslen, et.al, op.cit.: 32) هر گاه که لازم و ممکن باشد، دولت‌های عضو بایستی عبور و مرور تحت صلاحیت خود را مقررات‌گذاری نمایند، به‌خصوص در مواقعی که تسلیحات از سرزمین آنها عبور می‌کند. عبارت "هر گاه لازم باشد"، حاکی از آن است که دولت‌های عضو می‌توانند در مواقعی به این نتیجه برسند که عبور و مرور تسلیحات نیازمند مقررات خاصی نیست به‌خصوص در مواقعی که که عبور و مرور، مشمول کنترل‌های ملی صادرات و واردات کشورها باشد. (Ibid)

عبارت "ممکن باشد" نیز بر این مسأله تأکید دارد که بسیاری از کشورها با مشکلات عملی مانند محدودیت‌های تجاری و لجستیکی به‌منظور اعمال یک کنترل مؤثر بر سرتاسر قلمرو خود که ممکن است شامل فضاها و وسیع دریایی یا مرزهای زمینی طولانی غیرمحافظت‌شده بشود، روبرو هستند. (Ibid: 33) تجهیزات موردنیاز برای کنترل عبور و مرور بسته به این‌که تسلیحات از طریق زمین، هوا و یا دریا جابجا می‌شوند، متفاوت هستند. دولت‌ها اغلب مایل به اطلاع و کنترل موادی هستند که از طریق هوا و خشکی در حال جابجایی تحت صلاحیت آنهاست. اگرچه کنترل مؤثر بر جابجایی هوایی، تنها در صورتی ممکن است که هوایماها مجبور به فرود شوند. از آنجایی که

امروزه حجم عظیمی از کالاها از طریق دریا منتقل می‌شوند، دولت‌ها غالباً با فقدان اطلاعات یا منابعی که برای آگاهی از وضعیت کلیه‌ی عبور و مرورهای تسلیحات متعارف و کنترل آنها لازم است، مواجه‌اند. علاوه بر آن، دولت‌ها در خصوص اتخاذ اقداماتی به منظور اعمال اقتدار و حاکمیت ملی خود، بایستی به حقوق بین‌الملل در این باره، از جمله عبور بی‌ضرر مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای ملل متحد و تعهدات آنها تحت کنوانسیون هواپیمایی کشوری ۱۹۴۴ شیکاگو می‌شود، احترام بگذارند. (Yihdego, op.cit: 147) همانند مواد معاهده در خصوص واردات و دلالی این ماده نیز منحصراً نسبت به تسلیحات متعارف مندرج در بند یک ماده‌ی دو، و نه مهمات و قطعات آنها اعمال می‌شود.

بنابراین، ضابطه‌ی محدودکننده همانند ضوابط مندرج در مواد شش و هفت در خصوص ترانزیت لحاظ نشده است، چرا که همانند ماده‌ی قبل، مقررات‌گذاری طیف وسیعی از اقدامات را شامل می‌شود، ثانیاً عبارت هرگاه که لازم یا امکان‌پذیر باشد، بر این کلی‌گویی و اختیار دولت‌های محل عبور تسلیحات افزوده است. با وجود این، اگر دولتی به منظور ارزیابی اجازه‌ی عبور اقدام به اتخاذ اقدامات تعرفه‌ای یا غیرتعرفه‌ای نماید، برخلاف اصل آزادی ترانزیت که در ماده‌ی پنج گات به آن تصریح شده است، عمل نموده است. ماده‌ی پنج هرگونه محدودیت و یا ممنوعیت را که مبنی بر مبدأ، مقصد، نوع، میزان، ارزش و مالکیت محموله‌های در حال ترانزیت باشد، ممنوع کرده و دولت‌های عضو سازمان تجارت جهانی مکلفند شرایط برابری برای ترانزیت کالا در سرزمین تحت صلاحیت خود فراهم آورند. (Erickson, 2015: 83) این در حالی است که معیارهای ذکر شده در ارزیابی دولت محل ترانزیت بسیار مهم است و بر اساس آن، باید نسبت به صدور یا عدم صدور مجوز تصمیم بگیرد. از آنجا که ماده‌ی پنج گات، استثنائی را بر اصل کلی آزادی ترانزیت وارد نیاورده است؛ بنابراین و با توجه به زمینه‌ی امنیتی مسأله‌ی تجارت بین‌المللی تسلیحات، این تعارض نیز باید از رهگذر ماده‌ی بیست‌ویک گات حل شود. به نظر می‌رسد در این خصوص بند دوم پاراگراف ماده‌ی بیست‌ویک که صراحتاً از نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات یاد کرده، ترانزیت را نیز دربر می‌گیرد. بنابراین، چنانچه ترانزیت تسلیحات برخلاف منافع ضروری امنیتی دولت محل ترانزیت تسلیحات باشد، دولت مزبور به استناد ماده‌ی بیست‌ویک گات خواهد

توانست حمل محموله را متوقف نماید. (Cottier, et.al, op.cit.; 29) مسائلی که حول محور معیارهای تشخیص ضرورت و یا تعیین منافع امنیتی دولت‌ها راجع به صادرات و یا واردات مطرح است، در خصوص ترانزیت نیز منشأ اثر می‌باشد. با این حال، به نظر می‌رسد چون در مرحله‌ی ترانزیت احتمال انجراف محموله به مقصد دولت محل ترانزیت یا دولت‌های همجوار که امنیت آنها بر دولت مزبور نیز تأثیرگذار می‌باشد، بسیار زیاد است. بنابراین، اثبات این که جز توقف محموله راه دیگری برای دفع خطر و حفظ منافع ضروری امنیتی نبوده است، در پیشگاه مراجع رسیدگی کننده، بار سنگینی بر عهده‌ی دولت خوانده نخواهد گذاشت. (Ibid) نکته‌ی قابل ذکر دیگر در این خصوص آن است که به نظر می‌رسد تبیین حقوقی مفهوم امنیت ملی و منافع ملی^۱ و ارتباط آن دو با ضرورت در معنای حقوقی آن نیز بر عهده‌ی دولت خوانده در سازمان تجارت جهانی است.

دلالتی

ماده‌ی ۱۰ معاهده راجع به دلالتی بوده و دولت‌های عضو را ملزم می‌کند تا اقداماتی را به منظور مقررات‌گذاری دلالتی و واسطه‌گری در تجارت و انتقال تسلیحات متعارف که در محدوده‌ی تحت صلاحیت‌شان انجام می‌شود، اتخاذ نمایند. البته این قید را نیز بیان می‌کند که این اقدامات بایستی مطابق با قوانین ملی آنها صورت بگیرد. کنترل فعالیت‌های دلالتی به منظور ممانعت بازیگران از انجام مذاکرات تحت صلاحیت یک دولت، در خصوص نقل و انتقالات تسلیحاتی که قرار است در سرزمین تحت صلاحیت دولت یا دولت‌های دیگری صورت پذیرد، از اهمیت بالایی برخوردار است. (Maslen, et.al, op.cit.; 32) هم‌چنین اهمیت این مسأله زمانی دوچندان می‌شود که کشورهای صادرکننده، واردکننده و ترانزیت‌کننده‌ی تسلیحات متعارف، از یک نظام کنترل ملی مؤثری برخوردار نباشند. این ماده هم‌چنین موانع عمومی بر سر راه کنترل مؤثر دلالتی را منعکس می‌کند. هرچند این ماده استاندارد کم‌تری از آنچه که در اسناد مرتبط ولو غیرالزام‌آور، تعهدشده را در نظر گرفته است. البته هیچ‌یک از این اسناد نیز

۱- جهت کسب اطلاعات بیش‌تر در این خصوص رک: شاه‌محمدی، محمد، رابطه‌ی امنیت و منافع ملی، فصلنامه‌ی امنیت ملی، شماره‌ی سیزدهم، پائیز ۱۳۹۳، ص ۳۹.

دلالی را تعریف نکرده‌اند. در این ماده نیز دولت‌ها به جای الزام به کنترل دلالی، تحت محدودیت قوانین ملی خود، تنها موظف به مقررات‌گذاری دلالی هستند. (Ibid) مطابق بند آخر پاراگراف، قوانین ملی می‌توانند در این حوزه اقداماتی نظیر ثبت اجباری یا کسب یک مجوز مجزا برای دلالی را در نظر بگیرند. اخذ این مجوز هم برای افراد و هم شرکت‌های فعال در امر دلالی می‌تواند الزامی باشد. به‌منظور اعمال یک کنترل عمومی، ثبت نام از دلال‌ها نیز می‌تواند با لزوم ارزیابی افراد و شرکت‌هایی که ممکن است در فرآیند دلالی و امور مرتبط با آن درگیر شوند، همراه باشد. (Garcia, 2011: 49) این ماده هم‌چنین به صلاحیت دولت‌های عضو و متعاقب آن اصل صلاحیت سرزمینی اشاره می‌کند؛ بنابراین، فعالیت‌های خارج از صلاحیت ملی دولت‌ها مشمول این ماده نمی‌شود. لازم به ذکر است ماده‌ی ۹ تنها بر دلالی تسلیحات متعارف در ماده‌ی دو و نه قطعات و مهمات آنها اعمال می‌شود. از طرفی دلالی از آنجا که یک خدمت تجاری محسوب می‌شود؛ بنابراین، باید مقررات آن در عرصه‌ی تجارت بین‌المللی را موافقت‌نامه‌ی تجارت خدمات (گتس)^۱ جستجو کرد.^۲ گتس آزادی تجارت در خدمات را همانند آزادی تجارت کالا در گات البته با برخی تفاوت‌ها دنبال می‌کند. چون تجارت خدمات سهم کم‌تری نسبت به تجارت کالا دارد؛ از همین‌رو، گتس بخشودگی‌های بیش‌تری نسبت به گات دارد. (Van den Bossche, op.cit.: 459) این بخشودگی‌ها در استثنائات کلی که در ماده‌ی ۱۴ گات به آنها اشاره شده است نیز مشهود است. استثنائات امنیتی در گتس برداشتی یکسان از ماده‌ی بیست‌ویک گات است. بر این اساس، خدمات تجاری مربوط به صنایع نظامی نیز می‌توانند از شمول اصل آزادی تجارت خدمات مستثنی باشند. از آنجا که تجارت تسلیحات

۱ - The General Agreement on Trade in Services (GATS).

۲- در موافقت‌نامه‌ی تجارت خدمات به تعریف خدمت اشاره‌ای نشده، اما اشکال آن در ماده‌ی ۲ گتس تصریح شده است که به‌نظر می‌رسد بر این اساس هرچند معاهده‌ی دولت‌ها را صرفاً به مقررات‌گذاری دلالی در حوزه‌ی تحت صلاحیت خود کرده است. البته چون ارائه‌ی خدمت از سرزمین یک عضو به دریافت‌کنندگان خدمت در سرزمین یک عضو دیگر را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین، اعضای سازمان مجاز خواهند بود دلالی الکترونیکی تسلیحات را نیز تحت مقررات‌گذاری قرار داده، و حسب مورد ممنوع و یا محدود نمایند.

بخش جدانشدنی صنایع نظامی است، پس محدودیت در ارائه‌ی خدمات تجاری نظیر دلالتی معاملات تسلیحاتی، مجاز خواهد بود، به شرط آن‌که اثبات شود در راستای حفظ منافع اساسی امنیتی صورت گرفته است. (Cottier, et.al, op.cit; 32) البته برخلاف گات در گتس شورای تجارت خدمات بر اعمال این محدودیت‌ها نظارت خواهد داشت.

موافقت‌نامه‌های همکاری دفاعی^۱ و نظامی

مقررات سازمان تجارت جهانی نسبت به امتیازاتی که دولت‌های عضو در چارچوب اتحادیه‌های اقتصادی، به یک دیگر اعطا می‌نمایند، تخفیفاتی را در نظر گرفته است. براساس اصل دولت کامله‌الوداد امتیازی که یک دولت عضو سازمان به دولت عضو دیگری اعطا نماید؛ به‌طور خودکار باید به امتیازات سایر اعضا نیز تسری پیدا کند. این اصل از اصل کلی منع تبعیض نشأت گرفته، اما به استثنائاتی همراه است. (Van den Bossche, op.cit; 447) از جمله این استثنائات امتیازاتی است که به دولت‌های در حال توسعه اعطا می‌شود، در حالی که به دولت‌های توسعه‌یافته تسری پیدا نمی‌کند و همچنین امتیازاتی که دولت‌های عضو یک اتحادیه‌ی گمرکی به یکدیگر اعطا می‌کنند که به دولت‌های غیرعضو اتحادیه با رعایت شرایطی تسری پیدا نخواهد کرد. (Ibid) معاهده‌ی تجارت تسلیحات نیز نسبت به موافقت‌نامه‌های همکاری‌های نظامی و دفاعی مسامحه‌ای از این دست در نظر گرفته است. بند ب ماده‌ی بیست‌وشش دولت‌ها را از این که تعهدات‌شان را که مبتنی بر موافقت‌نامه‌های نظامی و دفاعی تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده برای‌شان بوده است، را به استناد تعهدات‌شان بر اساس معاهده ابطال کنند، منع کرده است.^۲ بر این اساس، دولت‌های عضو معاهد باید به موافقت‌نامه‌های همکاری‌های دفاعی و نظامی خود پای‌بند باشند و عضویت در معاهده‌ی تجارت تسلیحات دستاویزی برای ابطال این دست از موافقت‌نامه‌ها قرار نگیرد. البته لازم به ذکر است

۱ - Defense Corporation Agreement.

۲- بند دو ماده‌ی ۲۶: "این معاهده نباید به‌عنوان مبنایی برای ابطال موافقت‌نامه‌های همکاری دفاعی منعقد شده فی‌مابین دولت‌های عضو این معاهده تلقی گردد."

فسخ و یا تعلیق این موافقت‌نامه‌ها برای اعضای معاهده، امکان‌پذیر خواهد بود و مطابق موافقت‌نامه نیز جرائم و خسارات باید به طرف مقابل پرداخت شود. (Maslen, et.al, op.cit.: 44) نکته‌ی مهم در این باره آن‌که اگر این موافقت‌نامه‌ها مفادی خلاف ضوابط مندرج در معاهده داشته باشند، چه وضعیتی پیدا خواهند کرد؟ به نظر می‌رسد چون اعمال زور بر دو ماده‌ی شش و هفت معاهده امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین؛ دولت‌ها پس از عصویت در معاهده باید ضوابط ماهوی معاهده (مواد ۶ و ۷) را در قراردادهای انتقال تسلیحات خود بگنجانند. (Ibid) این در حالی است که به ظاهر باید امتیازاتی که دولت‌های عضو سازمان تجارت جهانی در چارچوب موافقت‌نامه‌های همکاری‌های دفاعی و نظامی به دولت یا دولت‌های طرف مقابل اعطا نموده‌اند، به سایر اعضا نیز تسری پیدا کند؛ چرا که این قبیل موافقت‌نامه‌ها معمولاً از خصیصه‌ی اتحادیه‌های اقتصادی و یا گمرکی برخوردار نبوده و محدود به همکاری‌های نظامی می‌شود. لیکن تسری این دست از امتیازات به سایر دولت‌های عضو سازمان که عضو موافقت‌نامه نیستند، با اصول امنیت و دفاع ملی ناسازگار است. (Sears, 2012: 47) از این‌رو، بسته به این‌که این همکاری‌های مربوط به حوزه‌ی کالا، خدمات و یا فناوری نظامی باشد، به ترتیب باید به استثنائات امنیتی گات، گنس و موافقت‌نامه‌ی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (ترپس)^۱ مراجعه کرد. از آنجا که این استثنائات در هر سه موافقت‌نامه تقریباً شبیه به یکدیگر است؛ بنابراین، چون منافع دفاعی و امنیتی دولت‌های عضو اقتضا می‌کند که موافقت‌نامه‌های نظامی محرمانه و دوجانبه (یا در موارد محدودی چندجانبه) باشد، باید اصل دولت کامله‌الوداد که بر تسری امتیازات به سایر اعضا اصرار دارد، به استناد ماده‌ی ۲۱ گات و بند ب ماده‌ی بیست‌وشش معاهده تخصیص می‌خورد.^۲ (Ibid: 50) در نتیجه، دولت‌های عضو سازمان مجاز خواهند بود، از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه‌ی همکاری‌های دفاعی و

۱ - The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).

۲- ضوابط مندرج در معاهده چون هم مستقیماً به موضوع تجارت و نقل‌وانتقال بین‌المللی تسلیحات و هم تعهدات دولت‌ها ذیل منشور مبتنی بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط است، از مصادیق بارز پاراگراف دوم بند ب و بند ج ماده‌ی ۲۱ هستند.

نظامی، امتیازاتی را برای طرف مقابل در نظر بگیرند که به سایر اعضا تسری پیدا نکند.
(Alford, 2011: 698)

انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری نظامی

هرچند معاهده‌ی تجارت تسلیحات جز دلالتی که یک خدمت تجاری محسوب می‌شود، به تجارت خدمات نظامی و تسلیحاتی و یا انتقال فناوری اشاره نکرده است و برخی متقدمان آن را از نقاط ضعف معاهده قلمداد کرده‌اند. (Sears, 2012: 53) لیکن چون ماده‌ی شش معاهده به تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت اشاره کرده است، و قطعنامه‌های شورا نیز متضمن ممنوعیت انتقال فناوری یا خدمات نظامی به کشورها یا گروه‌های تحت تحریم است؛ بنابراین، اعضای سازمان تجارت جهانی چنان‌چه محدودیت یا ممنوعیتی برای واردات یا صادرات خدمات مزبور در نظر بگیرند، ذیل استثنائات امنیتی گتس و تریپس مجاز بوده و خلاف تعهدات آنها مطابق مقررات سازمان نیست. (Cottier, et al, op.cit: 28) برای نمونه، قطعنامه‌های صادره علیه ایران، صراحتاً دولت‌های عضو سازمان ملل را از انتقال برخی فناوری‌های نظامی، ارائه‌ی خدمات نظامی و سرمایه‌گذاری در صنایع نظامی و تسلیحاتی منع کرده است.^۱ در حالی که موافقت‌نامه، مربوط به جنبه‌های تجاری اقدامات سرمایه‌گذاری (تریپس)^۲ و یا موافقت‌نامه (تریپس) صراحتاً اعضا را از اعمال محدودیت‌های مندرج در ماده‌ی ۱۱ گات یعنی محدودیت‌های مقداری منع کرده است. البته چون هر دو این موافقت‌نامه‌ها به همراه گتس از استثنائات امنیتی برخوردارند، و دولت‌ها متعهد به رعایت و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل هستند؛ بنابراین، مصداق بارزی از عبارت "تعهداتش طبق منشور ملل متحد" در بند ج ماده‌ی بیست‌ویک گات بوده و اجرای ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مندرج در قطعنامه‌های تسلیحاتی شورای امنیت، مجاز خواهد بود. البته لازم به ذکر است در مواردی که محدودیت‌های فراروی تجارت بین‌الملل مستند به قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت است، به نظر نیازی به اثبات ضرورت داشتن اتخاذ اقدامات محدودکننده توسط

۱- نک: قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ و ۱۷۳۷ و ۱۸۰۳.

۲ - The Agreement on Trade-Related Investment Measures (TRIMs).

دولت واردکننده، جهت حفظ منافع اساسی امنیتی‌اش نیست. (Yihdego, op.cit.: 89) هم‌چنین با توجه به سری بودن اختراعات و اکتشافات نظامی، صاحب حق اختراع با محدودیت‌هایی به‌منظور انتقال آزادانه‌ی فناوری مورد نظر مواجه است. استثنای حفظ امنیت ملی هر کشوری اقتضا می‌کند تا اختراعات سری برون‌سازمانی که کاربردهای حساس تسلیحاتی و نظامی دارد، بدون مجوز دولت متبوع شخص حقیقی و یا حقوقی خصوصی‌دارنده‌ی ورقه‌ی اختراع، آن را به اشخاص ثالث (به‌ویژه اشخاص ثالث متبوع کشورهای متخاصم با دولت متبوع‌دارنده‌ی ورقه‌ی اختراع) انتقال ندهد. (Anderson, 2011: 920) هم‌چنین مصادره‌ی سرمایه‌گذاری‌های خارجی صورت‌گرفته در بخش‌های نظامی و تسلیحاتی نیز به استناد حفظ منافع ملی با پرداخت خسارت فوری، کافی و مؤثر در رویه و دکتین حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی پذیرفته شده است؛ حکمی که در موافقت‌نامه‌ی مربوط به جنبه‌های سرمایه‌گذاری تجارت بین‌المللی (تریمز) تصریح شده است. (Galvez, 2013: 145) در نتیجه، اگرچه معاهده‌ی تجارت تسلیحات صراحتاً به تجارت بین‌المللی خدمات، سرمایه‌گذاری و انتقال بین‌المللی فناوری نپرداخته است، اما چون این بخش‌ها در اغلب موارد، مقدمه و یا زمینه‌ی تجارت تسلیحات هستند، احکام آنها در عرصه‌ی بین‌المللی، از سایر اسناد، دکتین و اصول حقوقی بین‌المللی قابل استنباط است. (Yihdego, 2007: 89)

وضعیت جمهوری اسلامی ایران در تجارت بین‌المللی تسلیحات و ملاحظات امنیتی

فرآیند عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی نهایی نشده و به‌عنوان عضو ناظر در سازمان حضور دارد. علی‌رغم این، به‌نظر می‌رسد استثنائات امنیتی در گات، گتس، تریپس و تریمز به خوبی حافظ منافع امنیتی دولت‌های عضو سازمان بوده است. به‌ویژه آن‌که در موارد بسیاری تشخیص ضروری بودن اتخاذ اقدامات محدودکننده در اختیار دولت‌های عضو بوده و همین مسأله به خوبی منافع امنیتی آنها در خصوص تجارت کالا و خدمات نظامی خصوصاً تسلیحات متعارف را حفظ خواهد کرد. (Alford, op.cit: 702) البته بدیهی است با توجه به منافی که تمامی دولت‌ها از رعایت اصول کلی عدم تبعیض و حسن‌نیت در سازمان کسب می‌کنند، اعمال محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها نیز بایستی بر اساس

همین دو اصل باشد تا از سیاسی شدن تصمیمات در عرصه‌ی تجارت بین‌الملل جلوگیری کرده و توازن قابل قبولی میان حفظ امنیت ملی و بهرمندی از مزایای تجارت بین‌المللی ایجاد نماید. (Alford, 2011: 704) لیکن در خصوص معاهده‌ی تجارت تسلیحات جمهوری اسلامی به دلایلی از جمله نبود مذاکره‌ی واقعی در تهیه‌ی متن در خلال کنفرانس، یک‌طرفه بودن ممنوعیت‌ها در بند اول ماده‌ی ۶، و مستثنی نمودن ارسال سلاح به نیروهای مسلح کشورها که در خارج از مرزها مستقر هستند، به معاهده رأی منفی داد. در هر حال، آنچه در ارزیابی جوانب الحاق ایران به معاهده اولویت دارد، حفظ منافع امنیتی است که تشریح آن نیاز به تفصیل دارد، اما در کوتاه سخن باید گفت قطع نظر از تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت علیه ایران، معاهده اختیارات وسیعی به دولت‌های صادرکننده اعطا کرده است که امکان استفاده ابزاری از آنها حتی در صورت لغو تحریم‌های شورای امنیت، علیه کشورهای واردکننده وجود دارد. از طرف دیگر، الحاق به معاهده، بیانگر تأیید ضمنی مشروعیت تحریم‌های شورای امنیت علیه کشورهایی هم‌چون سوریه، لبنان و یمن است که منافع مشترکی با جمهوری اسلامی ایران دارند. از همین جهت، به نظر می‌رسد معاهده به دلیل فقدان یک مکانیزم نظارتی، ظرفیت بالقوه‌ی زیادی برای اجرای خودسرانه توسط اعضا را داراست؛ امری که تهدیدی علیه منافع امنیتی کشور تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

گسترش تجارت بین‌المللی همان‌طور که در سند تأسیس سازمان تجارت جهانی مورد اشاره قرار گرفته است، موجبات توسعه‌ی اقتصادی کشورها، افزایش بهره‌وری، حفظ محیط‌زیست و حداکثر کردن رفاه مصرف‌کنندگان را فراهم خواهد آورد. از این رو، ایجاد مانع فراروی تجارت بین‌المللی مانع از تحقق این اهداف خواهد شد. بنابراین، مجموعه مقررات سازمان تجارت جهانی آن را ممنوع اعلام کرده و پای‌بندی اعضا به این ممنوعیت از رهگذر مکانیزم حل و فصل اختلافات سازمان تضمین می‌شود. علی‌رغم این تجارت برخی کالاها و خدمات و ملزومات آنها، تنها از منظر تجاری موردنظر نبوده و ابعاد دیگری نیز به همراه دارد.

به همین دلیل، در مقررات سازمان، استثنائاتی در نظر گرفته شده است تا ضمن دربر داشتن ملاحظات غیرتجاری، تجارت بین‌المللی به‌طور کلی با بن‌بست مواجه نشود. کالاها و خدمات نظامی و تسلیحاتی از جمله این موارد هستند که ابعاد سیاسی و امنیتی مهمی دربر دارند و صرفاً از دیدگاه تجاری و اقتصادی نمی‌توان در خصوص دادوستد بین‌المللی آنها قضاوت کرد. از همین رو، اعضای سازمان تجارت جهانی مجاز خواهند بود با اثبات دارا بودن شرایط تصریح‌شده در مواد مرتبط با استثنائات کلی و امنیتی از اجرای تعهدات خود، سرباز زنند. از آنجا که استثنائات امنیتی مصرح در گات ۱۹۹۴ و سایر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، بیش‌تر به امنیت داخلی کشورها اشاره داشت، معاهده‌ی تجارت تسلیحات در پی آن به تصویب رسید تا استانداردهای فراگیر بین‌المللی را در خصوص تجارت تسلیحات وضع نماید. هدف معاهده تنها امنیت داخلی کشورها نبوده و حفظ و ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی را از رهگذر پیشگیری از انحراف نقل‌وانتقالات بین‌المللی تسلیحات به سمت بازارهای غیرقانونی و نامشروع مدنظر دارد. از آنجا که چنین هدفی بدون به‌کارگیری ابزارهای و نهادهای نظارتی و کنترلی میسر نیست، لاجرم معاهده اقداماتی را به همین منظور در نظر گرفته است که البته آزادی تجارت بین‌المللی تسلیحات را محدود کرده است. بدین ترتیب، اعضای این معاهده باید ممنوعیت و محدودیت‌های فراوری تجارت بین‌المللی تسلیحات را که در معاهده بدان تصریح شده است، رعایت نمایند. از طرف دیگر، این اعضا بر اساس مقررات سازمان تجارت جهانی نباید مانعی بر سر راه تجارت بین‌المللی ایجاد نمایند. در نگاه اول، شاید تعارض این دو سند بین‌المللی یعنی معاهده‌ی تجارت تسلیحات و سند تأسیس سازمان تجارت جهانی به اذهان متبادر شود، اما با نگاه دقیق‌تر به اصول حقوق تجارت بین‌الملل و مقررات سازمان تجارت جهانی، مبرهن است که حفظ امنیت و صلح در هر دو عرصه‌ی ملی و بین‌المللی از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که تعهدات بین‌المللی تجاری دولت‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در واقع، فقدان امنیت و صلح بین‌المللی اساساً تجارت بین‌المللی را نیز با چالش جدی مواجه خواهد کرد. با این حال، به‌منظور تعادل میان ممنوعیت ایجاد مانع فراوری تجارت بین‌المللی و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، قیودی در نظر گرفته شده تا از

خودسری‌ها و تبعیض به بهانه‌ی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی جلوگیری شود. بنابراین، دولت‌ها صرفاً با استناد به مخاطره‌آمیز بودن تجارت تسلیحات و خدمات نظامی برای صلح و امنیت ملی خود یا بین‌المللی، مجاز به برقراری ممنوعیت و یا محدودیت نیستند و شرایط مصرح در مقررات سازمان باید احراز گشته و با حسن نیت اجرا شود. علاوه بر آن، اعمال این استثنائات پس از احراز شرایط بنا بر اصول کلی سازمان تجارت جهانی و هم‌چنین معاهد تجارت تسلیحات، باید بدون تبعیض و جانبداری صورت گیرد تا زمینه‌ی سیاسی شدن تصمیمات تجاری فراهم نگردد. در این میان، مقررات سازمان تجارت جهانی مانعی در جهت محدود یا ممنوع کردن تجارت تسلیحات، کالا و خدمات و فناوری‌های نظامی که به‌منظور حفظ منافع امنیتی اساسی کشور ضروری است، ایجاد نخواهد کرد. البته الحاق ایران به معاهده‌ی تجارت تسلیحات صرفاً تعهدات و محدودیت‌هایی را در خصوص کنترل ورود خروج تسلیحات تحمیل خواهد کرد، بی آن‌که اجرای متقارن آنها از سوی دیگر اعضا به‌واسطه‌ی مکانیزمی در معاهده تضمین شده باشد.

منابع

فارسی

- ۱- ساعد، نادر، «حاکمیت دولت‌ها و سازوکارهای بین‌المللی بازرسی در امور خلع سلاح»، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، شماره‌ی ویژه، بهار ۱۳۸۶.
- ۲- سواری، حسن؛ پیری، حیدر، «منافع ملی حیاتی دولت‌ها در پرتو معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، روابط خارجی، پاییز، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۱.
- ۳- شفیع‌ی، نوذر و دولت‌خواه، زهرا، «تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات»، راهبرد، شماره‌ی ۶۹، زمستان ۱۳۹۲.
- ۴- کیم کارتر؛ مترجم: ساعد، نادر، «اندیشه کنترل تسلیحات و خلع سلاح از طریق اعمال مقررات نظارتی حقوق بشر دوستانه»، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، شماره‌ی ۴۲، ۱۳۸۸.
- ۵- مصفا، نسرین؛ شاه‌نوری، ندا، «بررسی تأثیرات زیانبار تولید، تجارت و استفاده غیر قانونی سلاح‌های کوچک، اسلحه‌های سبک»، سیاست، دوره‌ی چهلم، شماره‌ی دو، تابستان ۱۳۸۹.

انگلیسی

- 6- Anthony, Ian, Arms Export Regulations, Oxford University Press, 1991.
- 7- Erickson, Jennifer, Dangerous Trade: Arms Exports, Human Rights, and International Reputation, Columbia University Press.
- 8- Bellal, Annyssa, Weapons under International Human Rights Law, Cambridge University Press.
- 9- Yihdego, Zeray, The Arms Trade and International Law, Hart Publishing, 2007.
- 10-Denise Garcia, Disarmament Diplomacy and Human Security: Regimes, Norms and Moral Progress in International Relations, Routledge, 2011.

- 11-Rogers, Damien, Post internationalism and Small Arms Control: Theory, Politics, Security, Ashgate Publishing, Ltd., 2013.
- 12-Alan S. Alexandroff Affiliated with Munk , The National Security Provision—GATT Article XXI, The World Trade Organization: Legal, Economic and Political Analysis, 2005, springer, p.1572-1578.
- 13-Laurence Boisson De Chazournes and Théo Boutruche, International Trade Law, United Nations Law, and Collective Security Issues, in The Oxford Handbook of International Trade Law, oxford university prees, pp. 696-718, 2009,
- 14-N. Trapp, Kimberley, State Responsibility for International Terrorism, Oxford, 2011, p.63.
- 15-Cassimatis, Anthony, Human Rights Related Trade Measures under International Law, Martinus Nijhoff Publishers, 2007, p.169.
- 16- Van den Bossche, Peter, The Law and Policy of the World Trade Organization: Text, Cases and Materials, Cambridge University Press, 2005, p.442.
- 17-Maslen, Stuart and others, The Arms Trade Treaty, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, May 2013.
- 18-VanGrasstek, Craig, the History and Future of the World Trade Organization, World Trade Organization, 2013.
- 19-Thomas Cottier and Lena Schneller, The philosophy of non-discrimination in international trade regulation, Edward Elgar Publishing, 2014.
- 20- Fukui, Yasuhito, The Arms Trade Treaty: Pursuit for the Effective Control of Arms Transfer, Journal, Volume 20, Issue 2, 2015.
- 21- Soleimani, Hassan, Arms Trade Treaty (ATT) and the Concerns of AALCO Member States: An Overview, AALCO Journal of International Law / Vol. 2, Issue 1.
- 22- Brehm, Maya, the Arms Trade and States' Duty to Ensure Respect for Humanitarian and Human Rights Law, Journal of Conflict & Security Law, 2008.
- 23- Gustavo Mauricio Bastien Olvera NON-STATE ACTORS AND HUMAN RIGHTS: THE CASE OF ARMS MANUFACTURERS, Amsterdam Law forum, VOL 3:3, 2009.
- 24- A. Sears, Nathan, Controlling Small Arms and Light Weapons Proliferation: The Potential of the Arms Trade Treaty, Paterson Review of International Affairs, 2012.
- 25- yi Peng, Shin, Cybersecurity Threats and the WTO National Security Exceptions, Journal of International Economic Law, Volume 18, Issue 2, 2015, Pp. 449-478.

- 26- Bhala, Raj, National Security and International Trade Law: What the GATT Says AND What the United State Does? University of Pennsylvania journal of international economic law, 1998, Vol.19, p.268.
- 27- C. Galvez, Cynthia, "Necessity," Investor Rights, and State Sovereignty for NAFTA Investment Arbitration, Cornell International Law Journal, Vol. 46, 2013, p.145.
- 28- P. Alford, Roger, The Self Judging WTO Security Exceptions, Utah Law Review, 2011, p.698.
- 29- Lindsay, Peter, the Ambiguity of GATT Article XXI: Subtle Success or Rampant Failure? Duke Law Journal, 2003, p.1280.
- 30- J. Jonas, Anderson, Secret Inventions, Berkeley Technology Law Journal, Vol.26, 2011.
- 31- Worster, William Thomas, The Arms Trade Treaty Regime In International Institutional Law,
- 32- The Hague University of Applied Sciences - International Law, 2014.
- 33- Fiott, Daniel & Prizeman, Katherine, The Arms Trade Treaty and the Control of Dual-Use of Goods and Technologies: What Can the European Union's Export Control Regime Offer? Institute for European Studies.
- 34- Jennifer L. Erickson, Social Incentives for Policy Commitment: International Reputation and the Arms Trade Treaty, American Political Science Association Annual Meeting, 2013.
- 35- Bellal, Annyssa, Implications of International Law for a Future Arms Trade Treaty, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, 2014.
- 36- Dennis M. Gormley and others, Four Emerging Issues in Arms Control, Disarmament, and Nonproliferation: Opportunities for German Leadership, James Martin Center for Nonproliferation Studies, 2009.
- 37- Clare da Silva, Creating a human rights standard for the Arms Trade Treaty, 2009.